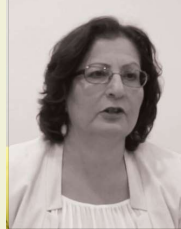


«بلوغ سیاسی» با تاخیری چند صد ساله

آذر مدرسی

اپوزیسیون راست و بورژوازی ایران، با تاخیری چهل و چند ساله، بالاخره به این واقعیت پی برد که جامعه ایران، سیاسی تر، متمدن تر و پیشرو تر از آن است که اربابی را بعنوان نماینده خدا، اینبار در قامت «شاهنشاه» و نه «امام» بعنوان قیم خود بر مسند قدرت بنشانند. بالاخره متوجه شدند که برای قابل انتخاب شدن به «چیزهایی» بیشتر از نوستالژی «شاهنشاهی دوهزار و چند صد ساله»، عظمت طلبی ناسیونالیستی و ضد کمونیستی گری صرف نیاز دارند. سعید



قاسمی نژاد، «تئوریسین» و «کاشف» این واقعیت در برنامه تلویزیونی «انجمن شهریار» تحت عنوان «در دفاع از نوپهلویگری»، مختصات این «مکتب» جدید را توضیح میدهد. منتقدین تند و تیز «اندیشه»، «تفکر»، «ایدئولوژی» و سیاست روشن و شفاف، بالاخره پی بردند که باید «اندیشه مدون» و «ایدئولوژی» بسیج کنند و شخصیت‌های سیاسی که با این «اندیشه مدون» و «ایدئولوژی» تداعی شوند، داشت. پی بردند چهره زمخت ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، ضد کارگر و ضد چپ را باید روتوش کرد و به آن «هویت» سیاسی-ایدئولوژیک و «متفکر» با بلوغ سیاسی داد. «فرهیختگان» دنیای سیاست متوجه شدند با اتکا به مشتی تکنوکرات، «استاد» و «مهندس» و «کارشناس» و «فرهیخته» بعنوان مشاور «شاهزاده» در سیاست ایران آینده ای ندارند! ... صفحه ۳

زمستان داغ در انتظار حاکمان!

فواد عبدالمهی

تنها در پراگ روز شنبه گذشته ۷۰ هزار نفر در اعتراض به گرانی و فقر و در ضدیت خود با جنگ طلبی ناتو، علیه دولت چک به خیابان‌ها آمدند. در شهر لایپزیک آلمان، جنبشی تحت نام «جنبش دوشنبه‌ها» اعلام موجودیت کرده که هر دوشنبه هزاران نفر دست به اعتراض می‌زنند و اعلام کرده‌اند که در مقابل گرانی سرسام آور، خیابان‌ها را علیه دولت حاکم در زمستان داغ خواهند کرد. افزایش شدید قیمت سوخت و در حالی که دستمزدها همراه با نرخ تورم بالا نرفته است، اعتراض و اعتصاب کامیون‌داران در بسیاری از کشورهای اروپایی بویژه اسپانیا را در پی داشته است. مانوئل هرناندز، رئیس یکی از اتحادیه‌های کارگری حامی کارکنان صنعت حمل‌ونقل در اسپانیا می‌گوید: «کارمان را متوقف کرده‌ایم، چون دخل و خرج‌مان متعادل نیست و هر چه کار می‌کنیم فقط ضرر است. اعتصاب ما کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ را با کمبود مواجه کرده است و می‌توانیم اثرات اعتصاب خود را ببینیم.» در تظاهرات مادرید بیش از ۱۵۰ هزار نفر علیه گرانی و فقر تحمیل شده شرکت کردند. ۸۰ هزار کارگر و کارمند در بلژیک، در مرکز بروکسل تجمع کردند تا علیه افزایش هزینه‌های زندگی و تورم ۹ درصدی اعتراض کنند.

خیابان‌های لندن و شهرهای دیگر انگلیس به دنبال سهمگین‌ترین اعتصابات کارگری، در روزهای آستانه انتخاب لیز تراس به مقام نخست‌وزیری بریتانیا، شاهد فوران خشم تظاهرکنندگانی بود که با چکش به پمپ بنزین‌ها حمله بردند و حرکتی اعتراضی به نام «بریتانیا نپرداز» را آغاز کردند. مردم معترض به گرانی اعلام کرده‌اند که از اول پائیز امسال دیگر صورتحساب‌های برق و گاز خود را نمی‌پردازند تا دولت محافظه‌کار و شرکت‌های انرژی را به پای میز مذاکره بکشانند. هیچ چیز تاکنون جلودار افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها نبوده است. چندی پیش نشریه گاردین در گزارشی نسبت به حذف مشاغل خدمات عمومی هشدار داد. این در حالی است که جهش بی‌سابقه شاخص تورم ۱۱ درصدی و افزایش افسارگسیخته هزینه‌های زندگی در انگلیس، جزیره را در بدترین شرایط اقتصادی نیم قرن گذشته قرار داده است. نشریه اکونومیست در گزارشی درباره گرانی و افزایش قیمت مواد غذایی در اروپا نوشته است: «با افزایش هزینه‌های مصرف‌کننده در ماه‌های زمستان، نارضایتی عمومی افزایش می‌یابد که منجر به اعتراض‌ها می‌شود که شاهد آن خشونت و ... صفحه ۲

جرقه بر باروت نفتی‌ها اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

گزارش کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در روز یکشنبه، چهارم سپتامبر ۲۰۲۲ برگزار شد. کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال رسماً شروع شد. اعضا و کادرهای حزب از کشورهای مختلف به شکل آنلاین در کنفرانس شرکت کردند. در کنفرانس ابتدا آسو فتوحی دبیر تشکیلات خارج کشور حزب، گزارش عملکرد تشکیلات خارج از کنگره دهم حزب در ماه مارس ۲۰۲۲ تا مقطع کنونی را ارائه دادند. دبیر تشکیلات خارج در گزارش خود از جمله به تلاش واحدهای مختلف تشکیلات خارج در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران، حمایت از مبارزات طبقه کارگر در کشورهای مختلف غربی علیه فقر و گرانی، حمایت از اعتصابات کارگران ترانسپورت در بریتانیا و آلمان، حمایت و دخالت در اعتراضات اتحادیه‌های کارگری و مردم متمدن علیه دخالتگری‌های ناتو و میلیتاریسم آن و جنگ در اوکراین، حمایت از کمپین دفاع از جولیا آسانژ، علیه تبعید و دپورت پناهجویان، همبستگی و حمایت از اعتراضات مردم سریلانکا و... پرداخت. دبیر تشکیلات خارج همچنین به مراسم‌های کارگری در اول مه و برنامه‌های خود و بعلاوه اقدامات این تشکیلات در هفته حکمت و همزمان فعالیت و همکاری تشکیلات خارج در بسیاری زمینه‌ها با دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان اشاره کرد. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

ناآرامی‌های اخیر است که با افزایش قیمت سوخت آغاز و به سرعت به یک شورش سیاسی گسترده‌تر تبدیل خواهد شد.»

واقعیت اینست که امروز چهره کریمه فقر و گرسنگی تنها مختص به جوامع خاورمیانه و آفریقا نیست؛ این اوضاع بلاواسطه حاصل گنبدیگی کاپیتالیسم و از عوارض مناسبات متعفن سرمایه‌داری و حاکمیت نظام «آزاد» بازار است. جالب است که به موازات گسترش فلاکت، شاهد رونق نجومی بازار تولید اسلحه و زرادخانه‌های نظامی دولت‌ها هستیم. حیرت‌آور است که بر متن اشاعه فقر و گرسنگی، جمعیت میلیاردهای جهان رو به افزایش است. این چهره کریمه جهانی است که از یک سو خروارها تن مپ و موشک بر سر مردم می‌ریزند و از طرف دیگر شاهرگ معاش و آذوقه مردم را بسته‌اند. قربانیان هر دو سوی این جنگ ارتجاعی، از خاورمیانه تا اروپا، طبقه کارگر و تولیدکنندگان واقعی ثروت در جوامع انسانی است.

در تاریخ معاصر شاید به ندرت اتفاق افتاده است که همزمان تمام جهان با یک سلسله پیوسته از مبارزات و مقاومت طبقه کارگر علیه فقر و گرانی و نبرد برای تامین معیشت و رفاه همگانی روبرو گشته باشد. در تاریخ معاصر جایی سراغ نداریم که در قیاس با امروز، مردم محروم جهان ما از خاورمیانه و آفریقا تا قلب صنعتی‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای غربی، حول محور مبارزه با سرمایه‌داری و دولت‌های آن، همزمان بسیج شده باشند. شاخص سیاسی دنیای امروز این واقعیت است که نظام سرمایه‌داری به بن‌بست رسیده و پاسخ به مصائب و معضلات بشر در قرن ۲۱ را ندارد و محرومان علیه حاکمان فارغ از مرزها و شناسنامه‌های کاذب ملی و جنسی در یک جنبش واحد علیه فقر و برای تقسیم ثروت به حرکت درآمده‌اند.

نبرد میلیون‌ها انسان علیه وضع موجود، نبرد برای امنیت، رفاه و تقسیم ثروت، یک نبرد واقعی است. جنگ و جدالی طبقاتی است که یک سمت آن در تهران، بغداد و استانبول جریان دارد و سمت دیگر آن در لندن، پاریس، برلین و رم و مادرید جاری است. این کيفرخواست طبقه کارگر است که برای تمامیت رفاه، آزادی، امنیت و تقسیم ثروت به میدان آمده است و مبارزات و اعتصابات این طبقه را از هفت‌تپه، فولاد و نفتی‌ها در جنوب ایران به اعتصابات گسترده کارگران در انگلستان، آلمان، فرانسه و اسپانیا تا سایر نقاط اروپا گره می‌زند.

سرنوشت مشترک طبقه ما در مبارزه علیه بربریت کاپیتالیسم و عواقب مخرب آن، تمام مرزهای ملی، قومی و جنسی را درنوردیده است. این یک سنگربندی جهانی با تمام قوا در مقابل یک نظام درنده بین‌المللی است، علیرغم این‌که رنگ حاکمیت آن در خاورمیانه استبدادی و اسلامی باشد و در اروپا «دمکراسی پارلمانی»! از خاورمیانه تا اروپا، طبقه کارگر با فقر، گرسنگی و بیکاری و فقدان امنیت روبرو است و همین سرنوشت مشترک است که طبقه کارگر را در برابر تعرض بورژوازی چه در سطح محلی و چه بین‌المللی به هم می‌بافد و در یک صف واحد انترناسیونالیستی علیه بردگی مزدی به خط می‌کند.

این صف و این جدال بدون شک مهر سوسیالیستی بر پیشانی خود دارد. جدال بر سر رفاه، آزادی، برابری، لغو بردگی مزدی، نبرد برای لغو تبعیض و لغو ستم‌کشی زن و ... یک نبرد سوسیالیستی علیه مناسبات سرمایه‌داری و دولت‌های آن است. وحشت از پتانسیل این طبقه است که کل بورژوازی را از ایران تا اروپا حول دست راستی‌ترین و افراطی‌ترین احزاب بورژوازی در پارلمان‌ها متحد کرده است.

پریبراهه نیست که سوسیالیسم و کمونیسم از ایران «اسلام‌زده» تا انگلستان مهد «دمکراسی»، جرم محسوب می‌شود. هراس بورژوازی از کمونیسم و کارگر یک واقعیت امروز جهان ماست. ترس بورژوازی از عروج کمونیسم در هر اعتصاب و غرش کارگری و مردمی، یک ترس واقعی است. پاسخ به معضلات جوامع بشری امروز روی میز کمونیست‌ها و پیشروان طبقه کارگر است. زمان برای برافراشتن آلترناتیو اداره شورایی جامعه به رقص درآمده است. جهان نو تنها از رحم جهان کهنه متولد می‌شود و این نیازمند عروج کمونیسمی رادیکال و تمامی کارگری است.

امروز در ایران نسیم این کمونیسم است که شروع به وزیدن کرده است. این آن اهرمی است که می‌تواند تکیه‌گاه نه‌تنها مردم ایران که طبقه کارگر و بشریت در سراسر جهان شود.

جرقه بر باروت نفتی‌ها

دیروز، شنبه برابر با ۱۲ شهریور ۱۴۰۱، کارکنان رسمی صنعت نفت در تهران، بر اساس فراخوانی از پیش اعلام شده در مقابل وزارت نفت تجمع اعتراضی برگزار کردند و صدها نفر از آنان از شهرهای مختلف ایران به پایتخت آمدند. این تجمع که با هدف اعتراض به مشکلات معیشتی، دستمزدهای ناکافی و عدم اجرای قوانین و ساعات کاری غیرعادلانه و کیفیت پایین خدمات رفاهی و بهداشت صورت گرفته بود و همچنین خواهان اجرای کامل ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات کارکنان رسمی وزارت نفت بودند، با یورش ماموران یگان ویژه و امنیتی مواجه شد و دست کم ۶۷ نفر از کارکنان بازداشت شدند که تعدادی از آنان بعد از ظهر روز شنبه آزاد شدند.

کارکنان رسمی صنعت نفت از روز پنجشنبه ۲۰ مرداد امسال کمپینی اعتراضی را به دلیل مشکلات معیشتی آغاز کردند و در روزهای گذشته بسیاری از کارکنان رسمی شاغل در صنعت نفت به صورت هماهنگ در مراکز کاری با در دست گرفتن پلاکاردهایی نسبت به عدم تحقق مطالبات‌شان دست به اعتراض زده بودند. طی چند سال گذشته تجمعات و اعتصابات کارگری در اعتراض به شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی مهر خود را به هر تحرک اجتماعی در جامعه ایران زده است. علاوه بر این طی ماه‌های گذشته نقاط مختلف ایران صحنه تجمعات قدرتمند اعتراضی از سوی معلمان، بازنشستگان، پرستاران و سایر اقشار جامعه بوده است. پاسخ دستگاه حاکمیت به این جنبش قدرتمند اجتماعی که در کلیدی‌ترین مناطق کارگری مانند نفت، معادن، فولاد، برق، هفت تپه و ... تا اعتراضات در میان معلمان، بازنشستگان، پرستاران، اعتراض زنان و جوانان بلااستثنا چیزی جز سرکوب نبوده است. این بار هم دستگاه سرکوب رژیم تجمع کارکنان صنعت نفت را درست همانند تجمع معلمان و بازنشستگان و درست همانند تجمعات کارگران فولاد، هفت تپه، کارگران معدن مس سونگون و بسیاری از مراکز دیگر با گسیل نیروهای امنیتی و با چماق سرکوب پاسخ داد. حاکمیت و کارفرما در ضربه زدن هر جنب و جوش کارگری توهم به خود راه نداده‌اند.

نفتی‌ها در تجمع اخیر خود این‌را با گوشت و پوست خود تجربه کردند که نه فقط دستگاه مفت‌خور وزارت نفت و مسئولین رنگارنگ آن، بلکه کل این نظام فاسد از هر سه‌قوه تا وزارت نفت در معرض به سطح معیشت و رفاه طبقه کارگر ذینفع هستند. بی‌خود نیست که یکی از مقامات وزارت نفت در مورد مطالبات کارکنان رسمی نفت می‌گوید وزارت نفت تا زمانی که دولت ریسی دستور ندهد نمی‌تواند هیچ مطالبه‌ای را برآورده کند. مشکل اقتصاد و معیشت طبقه کارگر در ایران نه با تعویض این مسئول و آن مقام و این وزیر و آن مدیر حل می‌شود و نه حتی در چهارچوب «قوانین» موجود روزه‌های برای اعتراض هرچند «قانونی» و صنفی طبقه کارگر وجود دارد.

امروز هر کارگر آگاهی می‌داند که راه تامین مطالبات برای همه بخش‌های کارگری و کارمندی در نفت و هر مرکز کارگری دیگر و یا تغییر قانون، نه در بالای حاکمیت و توهم به «مدیران خوب» در مقابل «مدیران بد» که از کانال یک مبارزه متحدانه، متشکل و قدرتمند طبقاتی می‌گذرد. تغییر کوچک‌ترین قانونی به نفع رفاه طبقه کارگر بدون سنگین کردن ترازوی اتحاد کارگری و به میدان آوردن نیروی متحد کارگران و ... به نفع این طبقه میسر نیست، و این تغییر توازن قوا تنها با یکپارچه کردن مبارزات وسیع کارگری در تمام بخش‌های صنعت نفت و در اتحاد با سایر بخش‌های طبقه کارگر در ایران با تکیه بر مجامع عمومی کارگری قابل تحقق است. این‌ها درس‌های گرانبهایی است که از جمله کارگران هفت‌تپه و فولاد سال‌ها پیش آموخته‌اند و امروز کارگران نفت هرچند آهسته اما استوار می‌آموزند و کارکنان رسمی نفت نیز دارند این حقیقت را در عمل تجربه می‌کنند.

این‌که سر کارفرما و جناب وزیر و آقای رییس‌جمهور و رئیس مجلس و «مقام معظم» در یک آخور است، دیگر برای همه از جمله برای کارمندان نفت هم باید از روز روشن‌تر باشد. این‌که نیروهای امنیتی و سرکوبگر این نظام برای مقابله با کم‌ترین توقع معیشتی و رفاهی طبقه ما، ساخته و پرداخته شده‌اند هم بر کسی پوشیده نیست. حاکمیت و دستگاه سرکوب آن انگشت به دهان مانده‌اند که در مقابل تحریکات کارگری که این روزها از تمام منفردهای جامعه ایران بیرون زده است و با تکیه بر مجامع عمومی خود راه اداره شورایی جامعه را با قدرت باز می‌کند، چگونه عمل کنند. این یک واقعیت غیرقابل انکار است که از الان کل اردوی بورژوازی ایران و حاکمیت آن را به وحشت انداخته است. بازی با تجمع کارگران رسمی نفت، بازی با کارگران رسمی و قراردادی در نفت و پتروشیمی‌ها و گاز، بازی با آتش است. جرجه بر باروت خشم جنبشی است که دهان باز کرده تا کل بورژوازی ایران را ببلعد.

این جنبشی است که در جریان مبارزات کارگری روز به روز به منافع خود آگاه‌تر و با تجربه‌تر می‌شود. روزی که رهبران رادیکال طبقه کارگر نیروی جنبش طبقه خود را متحد سازند، روزی که این رفقا به شالوده‌های جنبش حزبی خود در میان پروتلتراری صنعتی ایران وسعت دهند و روزی که آن‌ها به جنبش حزبی و کمونیستی طبقه خود وصل شوند، روز آغاز دنیایی نو بر خاکستر جهان کهنه خواهد بود.

و بیان و فعالیت هر جنبنده ای در پایین، را «قانونی» میخواند! مکتب جدیدی که از این پا و آن پا کردن های شاهزاده و خانواده اش «دلخور» است، و سعی میکند آن را حاشیه ای و «ماستمالی» کند. از همه مهمتر اینکه «نئوپهلویسم» از همین امروزی که هنوز دهکده ای در دورافتاده ترین کره خاکی را هم تصرف نکرده اند، منتقدین آیکی «رضاشاه دوم» را هم مطلقاً تحمل نمیکند و با قرار دادن آنها در رده «ارتجاع سیاه» دایره راست افراطی، «نئوپهلویسم» با محوریت رضا پهلوی و خانواده اش، را تنگ و تنگ تر میکنند. در این راستا «الحق» که رسانه های پرسروصدای راست بعنوان بال های تبلیغاتی این جریان، گوی سبقت را از هر دستگاه پروپاگاندی در طول تاریخ تحولات سیاسی ایران، ربوده اند. اگر پروپاگاندا رسانه ها و تبلیغات، قادر بود بعنوان فعال مایشا سیمای جوامع را تغییر دهد، امروز طالبان بهترین گزینه مردم و بخصوص زنان در افغانستان و جمهوری اسلامی ایران در قلوب مردم ایران و بخصوص زنان و کارگران، جا خوش کرده بودند. اما مهمتر از دستگاه های تبلیغات وسیع، نیرویی که پشت این تبلیغات وجود دارد است که میتواند قدرتی در جامعه را جابجا کند. دو بال تئوریک «نئوپهلویسم» و سیاسی فرسگرده، این جریان اولترا راست، علیرغم کمک این رسانه ها، در جامعه زیرپایشان خالی و فاقد قدرت اند.

«نئوپهلویست» های «تئوریک» ما ظاهراً قرار است در جدال سیاسی و در جامعه پولاریزه شده ایران، در کنار تحركات سیاسی - تبلیغاتی فاشیستهای فرسگرده، با همان دوز و دمای بالا از فاشیسم و ضد کمونیست بودن، لولا و منشا اتحاد درونی صفوف اپوزیسیون راست پرو غرب در مقابل قدرتنگری طبقه کارگر و کمونیستهای آن شوند. آرمان و رویایی بی ریشه و بنیادی، که نه برای تحقق، که تنها و تنها برای مقابله با پیشروی طبقه کارگر و کمونیسم آن است. اینها میدانند که بورژوازی ایران فاقد قدرت ایجاد هیچ حزب و سازمان سیاسی «متمدنی» است. مستقل از ناتوانی این «مکتب» جدید در متحزب کردن اپوزیسیون راست بورژوازی در ایران، این کلاه برای سر مردم در ایران، برای قالب کردن بازگشت به گذشته و گذشته پرستی در بسته بندی نه چندان شیک و نه چندان جدید، بسیار گشاد است. این «مکتب» مانند «بال سیاسی» خود، فرسگرده، هویتی سیاسی-اجتماعی فراتر از «بازگشت به گذشته» با پرچم روشن استبداد سیاسی را ندارد. هیچ تئوری و اندیشه و ایدئولوژی من در آوردی بچه های دفتر تحکیم هم نمیتواند این واقعیت را مخفی کند. این طفل اپوزیسیون راست هم مرده بدنیا آمده است. باید در گورستان ققنوس، رستخیز فیروزه ای و انواع پروژ های دیگر، از امروز برای خود قطعه ای اختصاص دهد! این «فرهیختگان» و «فیلسوفان» مکتب سبز-فیروزه ای هنوز ابعاد بلوغ و درایت سیاسی جامعه را دست کم گرفته اند! هنوز «پی نبرده اند» که با هیچ شعبده بازی نمیتوان لباس «تئوریک» و «اندیشه مدون» بر تن فرسگرده فیروزه ای و فاشیست، که همین امروز در میان میانه رو ترین جریانات راست هم بعنوان جریانی بی اعتبار، خطرناک با عناصری بشدت دهان دریده و وقیح، به دهان دریدگی و وقاحت خود جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است، را پوشاند!

بچه مسلمان های سابق، اعضا دیروز بسیار فعال دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی های ضد کمونیست دیروز، که «مدرنیت» لباس گشادی بر پیکر آنها است، بهتر است پیش از اینکه جنبشی در پائین بساط عوام فریبی و معرکه گیری فاشیستی شان را جارو کند و پروژ شان را به زباله دان بریزد، به فکر آینده دیگری برای فعالیت سیاسی خود باشند. صندلی قدرت برای این جریان، زیادی داغ است.

این «پی بردن» ها و «کشفیات» جدید برای جنبشی که تا امروز پرچمی جز بازگشت «شاهزاده» به هر قیمت، منجمله تحریم اقتصادی، حمله نظامی امریکا و ناتو، انقلاب مخملی و رژیم چینج، در دست نداشت، پیشروی بزرگی محسوب میشود. تا اینجا قضیه، کشف اینکه در صحنه سیاست در ایران نمیتوان با پرچم رنگ باخته «بازگشت به گذشته» ای که با انقلاب مردم به زیر کشیده شد، به جدال و رقابت با جنبش قدرتمند رادیکال، چپ و سوسیالیستی موجود در جامعه رفت، را باید به حساب «پیشروی» و «بلوغ» این جریان گذاشت.

تماشای سیر این «بلوغ سیاسی» و «تغییر» و «شیفت»، تلاش این جریان برای تراشیدن شخصیتهای «فکور»، «تئوریسین»، «فیلسوف»، «سیاستمدار» های معقول و «صاحب حرف» در مقابل تکنوکراتها و فالانژهای تاکنونی «شاه پرست» خالی از لطف نیست. اما مهمتر از آن تعقیب، بررسی و آنالیز این «تغییر و شیفت»، تأثیرات آن بر بلوک راست، تأثیرات این بلوغ، در فشرده تر کردن هسته اولترا ناسیونالیست و فاشیست راست، همراه با از میدان به درکردن و حاشیه ای کردن جناح «معتدل تر» و میانه رو تر خود و بالاخره شانس این جریان در آینده سیاسی جامعه، ضروری است. «مکتب نئوپهلویسم» نتیجه و چکیده این «تغییر و شیفت» و هویت یابی جدید است! «مکتبی» که «گسست زمانی» با سلطنت و «تغییرجهان» را درک کرده، و منتقد «پهلوی گرایی اولیه» است. جریانی که مدعی است از انقلاب ۵۷ و به زیر کشیده شدن سلطنت درس گرفته است. «مکتبی» که تلاش میکند راست پرو غرب را از جنبشی پراکنده، با شعبات متفاوت از سلطنت طلب، مشروطه خواه لیبرال و غیر لیبرال تا جمهوریخواه، متمرکز و متحد کند. آنرا صاحب اگر نه حزب، که جبهه ای کند که بتواند علاوه بر «شاه» طیفی از شخصیتهای سیاسی دیگری چون «اسدالله علم» و «محمد علی فروغی» را جلو صحنه بگذارد و از آن سرمایه سیاسی بسازد!

«متفکرین» و «تئوریسین» های این «مکتب» نه «شاهزاده» و «ملکه سابق» که جوانان پرشور قدیم «انجمن اسلامی»، «دفتر تحکیم وحدتی» و فعالین و موسسین «دانشجویان و دانش آموختگان لیبرال ایران» اند که امروز در «انجمن شهریاری» و «نشریه فریدون»، در قامت «فیلسوف»، «تئوریسین»، «تاریخ نگار» و «پژوهشگر» قرار است همان جدال قدیم، زیر پرچم «اصلاحات» و «یا حسن، میرحسن»، در دفاع از «نظام» و برای نجات آن، نه الزاما نظام سیاسی که اساسا نظام اقتصادی، علیه آزادی و آزادیخواهی و هر درجه از رادیکالیسم و چپگرایی در جامعه، را اینبار زیر پرچم «پرافتخار سه رنگ ایران» و شخص «شاهزاده» با همان حرارت پیش ببرند. این طیف هسته اصلی «اتاق فکری» «مکتب نوین» را تشکیل میدهند و قرار است «تئوری» و «مبانی» اندیشه مدون نئوپهلویسم» با قدرت بسیج را تدوین کنند. «متفکرینی» که منتقد محمدرضا شاه اند! از «اشتباهات» روزهای آخر رژیم سلطنت در ایجاد «فضای باز سیاسی» و «کوتاه آمدن» در مقابل معترضین، درس گرفته اند! فکر میکنند اگر محمدرضا شاه با اقتدار کامل و با اتکا به «دستگاه قدرتمند» ساواک «تروزیستها»ی مخالف را نابود میکرد و همه معترضین را در جزیره قشم میریخت تا بپوسند، از انقلاب خبری نبود! در این مکتب جدید جای هیچگونه «لیبرال» بازی و «دمکراسی» طلبی «بی موقع» وجود ندارد. در طرفداری از حکومت «قانونی» چنان سرسخت است که حتی «محدود کردن دمکراسی» و اقتدار ساواک و ممنوع کردن حق آزادی عقیده

گزارش کنفرانس تشکیلات خارج...

به دنبال رقفا و دست اندر کاران تشکیلات خارج کشور و شرکت کنندگان در کنفرانس نیز ضمن اشاره به فعالیتهای تشکیلات خارج و نکات و ملاحظات خود در این مبحث شرکت کردند.

دستور بعدی کنفرانس اهمیت فعالیت خارج کشور در دور آتی بود. در این مبحث نیز ابتدا آسو فتوحی به عنوان دبیر تشکیلات خارج به جایگاه کار تشکیلات در دوره کنونی، به رابطه داخل و خارج و جایگاه هر کدام در این دوره و مؤلفه های مختلف پرداخت. کنفراسن در این بخش نیز به وضع کنونی و موج برگشت در کشورهای غربی و شروع اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه فقر و توحش افسار گسیخته دولتها در تعرض به معیشت طبقه کارگر، به ضرورت هرچه دخالت و حمایت مستقیم ما از این اعتصابات و همچنین به اهمیت ایفای نقش انترناسیونالیستی حزب در خارج ایران پرداختند. کنفراس همزمان به اهمیت جلب حمایت طبقه کارگر و مردم متمدن در کشورهای مختلف از مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران تاکید کردند.

آخرین دستور کنفرانس انتخابات برای کمیته خارج بود که رفقا آسو فتوحی، سونیا محمدی، سیوان رضایی و محمد راستی با اکثریت آرا به عنوان کمیته خارج انتخاب شدند. کنفراس خارج با سخنان اختتامیه آسو فتوحی و قدر دانی از فعالیتهای دوره گذشته همه تشکیلاتهای و تشکر از شرکت کنندگان و دخالتهای آنها در مباحث کنفرانس پایان یافت. بعد از پایان کنفرانس کمیته خارج در اولین نشست خود آسو فتوحی را به اتفاق آرا به عنوان دبیر تشکیلات خارج حزب انتخاب کرد.

کمیته خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۶ سپتامبر ۲۰۲۲

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena